



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مَقَالَات

بَورسی فضايل حضرت علي عليه السلام
و مساله امامت

مریم معینی نیا

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی فضایل حضرت علی (ع) و مساله امامت

نویسنده:

مریم معینی نیا

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بررسی فضایل حضرت علی (ع) و مساله امامت
۶	مشخصات مقاله
۶	چکیده
۷	کلیدواژه ها
۷	اشاره
۹	فضایل علی علیه السلام از دوران کودکی تا بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۳	فضایل علی علیه السلام از دوران بعثت تا هجرت رسول صلی الله علیه و آله
۱۹	فضایل علی علیه السلام از دوران هجرت تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۸	نتیجه
۴۲	منابع :
۴۴	درباره مرکز

بررسی فضایل حضرت علی (ع) و مساله امامت

مقالات

پیامبر و اهل بیت

امام علی علیه السلام

غدیر

نویسنده:

مریم معینی نیا

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

چکیده

در سال مولای متقیان حضرت علی علیه السلام و در این نوشتار، به بررسی فضایل و نقش تاریخی امام علی علیه السلام در دوران صدر اسلام و بخصوص مساله امامت از منظر سه منبع معتبر تاریخ اسلام (سیره ابن هشام، تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر) می پردازیم. این فضایل و نقش تاریخی حضرت، در سه مرحله زمانی (از کودکی امام تا بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله، از دوران بعثت تا هجرت پیامبر و از دوران هجرت تا رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله) مورد پژوهش و تطبیق قرار گرفته است.

نتیجه بررسی حاضر، دستیابی به پاسخ این سؤال است که آیا مورخان مذکور همه حقایق مربوط به علی علیه السلام را نوشته اند یا نه؟ و اگر نتوانسته اند، چرا؟ به احتمال قریب به یقین محدودیتهای سیاسی - عقیدتی، مورخان مذکور را، از ذکر بعضی حقایق تاریخ اسلام باز داشته است.

ص: 1

امامت، علي بن ابي طالب عليه السلام،

فضايل علي عليه السلام،

کتب تاريخ،

سيره

اشاره

در کتب تاريخ اسلام، ماجرای خشکسالی و سختی و تنگدستی ناشی از آن در قبیله قریش ذکر شده (1) و آمده است که پیامبر صلي الله عليه و آله و عمويش عباس تصمیم گرفتند به خاطر کمک به ابوطالب، دو تن از فرزندان وي را نزد خود آورده از آنها نگهداری کنند؛ پس پیامبر صلي الله عليه و آله علي عليه السلام، و عباس

ص: 2

1-1. السيرة النبوية، ابن هشام، ج 1، ص 246؛ الكامل في التاريخ، ابن اثير، ج 2، ص 873

و جعفر را انتخاب کرد . حضرت علي عليه السلام تا زمان بعثت، در خانه پیامبر صلي الله عليه و آله بود . بعضي از مورخان، اين امر را از الطاف الهي بر حضرت علي عليه السلام شمرده اند . (1)

علي عليه السلام در سايه همنشيني و همنفسي با پیامبر صلي الله عليه و آله و تحت توجهات و تعاليم ايشان ، دوران رشد و بالندگي خود را با كسب فضاييل معنوي و اخلاقي از سيره نبوي طي كرد . اين امر پس از بعثت رسول خدا صلي الله عليه و آله نيز ادامه داشت ؛ لذا ايشان به عنوان اولين مرد مسلمان، پشت سر پیامبر به نماز ايستاد و در تمام مراحل نبوت، يك لحظه از ياري و پشتيباني رسول خدا سستي و غفلت نكرد . تاريخ اسلام سرشار از فداكاريها و شجاعتها و دلاوريهاي آن حضرت است . تمامي اين فضاييل و نيز كسب مقام دامادي پیامبر صلي الله عليه و آله كه حاكي از علاقه و محبت ايشان بود، بدون شك حسادت برخي را برانگيخت؛ اينان تا زمان حيات پیامبر صلي الله عليه و آله، جرات علني كردن دشمني و حسد خود را نداشتند؛ اما پس از رحلت پیامبر صلي الله عليه و آله، دشمني هاي پنهان، آشكار و علني گشت . حوادث تاسف انگيز تاريخ اسلام پس از رحلت نبي اكرم صلي الله عليه و آله از جمله مساله جانشيني و خلافت رسول خدا و خانه نشين كردن بيست و پنج ساله حضرت علي عليه السلام ، گواه اين مطلب است؛ لذا كتمان حقايق و فضاييل حضرت علي عليه السلام از سوي

ص: 3

مخالفان و معاندان وي، امري طبيعي و بديهي بود. در اين ميان، تلاش مورخان با انصاف و بدون غرض، در ثبت فضاييل و ذکر روايات در خصوص ايشان، قابل تقدير است. هرچند كه فشار سياسي حكومتهاي وقت، مانع از ذكر تمامي حقايق مي شد.

فضايل علي عليه السلام از دوران كودكي تا بعثت پيامبر صلي الله عليه و آله

در اين مرحله از تاريخ زندگاني علي عليه السلام، آنچه را كه مورخان اسلامي در كتب سيره ابن هشام، تاريخ طبري و تاريخ ابن اثير به عنوان فضيلتي براي علي بن ابي طالب عليه السلام آورده اند، ذكر مسلمان شدن وي به عنوان اولين ايمان آورنده به آيين محمدي عليه السلام است كه به تفكيك مورد بررسي قرار مي گيرد:

1- علي عليه السلام نخستين مرد ايمان آورنده به پيامبر صلي الله عليه و آله ابن هشام ابتدا از اسلام حضرت خديجه ياد کرده است، (1) سپس مساله نزول نماز و پس از آن، از اسلام امام علي عليه السلام سخن گفته است. (2)

طبري در خصوص اسلام آوردن علي عليه السلام آورده است: بعضي ها گفته اند نخستين مردی که به پيامبر خدا ايمان آورد، علي بن ابي طالب بود؛ از ابن عباس روايت کرده اند که اول کسی که با پيامبر نماز کرد علي بود و از جابر نیز روايت کرده اند که پيامبر به روز دوشنبه مبعوث شد و علي به روز سه شنبه نماز کرد. ابو حمزه گوید: از زيد بن ارقم شنيدم که گفت اول کسی که به پيامبر خدا عليه السلام ايمان آورد، علي بن ابي طالب بود. (3) طبري سپس روايتهاي مختلفي را از کليبي،

ص: 4

1-3. السيرة النبوية، ج 1، ص 240

2-4. همان منبع، ص 245

3-5. تاريخ طبري، ج 3، ص 867

ابن اسحاق و دیگران در مورد اسلام آوردن علی علیه السلام، پس از خدیجه آورده است . (1)

ابن اثیر این موضوع را چنین روایت کرده است : «دانشوران درباره نخستین کسی که به اسلام گرایید، اختلاف دارند؛ گرچه همداستان هستند که خدیجه نخستین آفریدگان خدا بود که به اسلام گروید . برخی گفتند : نخستین مردی که اسلام آورد، علی بن ابی طالب بود . ابن اثیر در ادامه روایت، گزارشی از حضرت علی علیه السلام ذکر کرده که ابن هشام و طبری به آن اشاره ای نکرده اند . در این گزارش علی علیه السلام فرموده است : من بنده خدا و برادر پیامبر او هستم و پس از من هر که خود را چنین خواند، دروغگو و دروغ پرداز باشد . هفت سال پیش از سایر مردمان، آغاز به نماز خواندن با پیامبر خدا کردم . (2)» ابن اثیر در ادامه به تقلید از شیوه طبری، به ذکر سایر روایتهای در این خصوص پرداخته است .

2- نماز گزاردن حضرت علی علیه السلام با پیامبر در دره های مکه ابن هشام در این روایت از حضور علی علیه السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان تنها همراه در خواندن نماز، در دره های مکه، سخن می گوید . یکبار ابوطالب آن دورا دیده و از آیین جدیدشان می پرسد . علی علیه السلام دین اسلام را شرح می دهد و از وی می خواهد که آن را بپذیرد . ابوطالب اظهار می دارد که نمی تواند از دین پدرانش جدا شود، با این حال اطمینان می دهد اقدامی که او را ناراحت کند، از وی سر نخواهد

ص: 5

1- 6. همان منبع، ص 858-861

2- 7. الکامل، ج 2، ص 871-875

زد. در ادامه، ابن هشام روایتی دیگر آورده است که در خاتمه آن ابوطالب به علی علیه السلام می گوید: پسر من، پیامبر خدا تو را جز به راستی و درستی و خیر نمی خواند، همواره با او باش. (1)

طبری در این مورد، مطلبی را ذکر نکرده است، اما ابن اثیر مانند ابن هشام، ماجرای نماز خواندن علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را در دره های مکه و ماجرای دیدار ابوطالب و سخن آنان را آورده است. (2)

از نمونه حذفهای محافظه کارانه در سیره ابن هشام، حادثه جالبی است که در بخش اندکی از سیره ابن اسحاق که در دست است، وجود دارد و طبری و ابن اثیر نیز آن را از ابن اسحاق و دیگران آورده اند. این روایت چنین است که غنیمت بن قیس کنندی می گوید: در عصر جاهلیت به مکه آمده بودم و می خواستم برای خانواده ام عطر و لباس بخرم؛ در مکه به دیدار عباس بن عبدالمطلب که تاجر بود، رفتم. محل ملاقات ما، همان محل اجتماع معمول مردم مکه، یعنی مسجد الحرام بود. ما در جایی نشسته بودیم که می توانستیم کعبه را مشاهده کنیم. هنگامی که آفتاب بالا آمد و روز به نیمه رسید، جوانی به صحن مسجد الحرام آمد، بعد از اینکه به آسمان نگرید، رو به سوی کعبه ایستاد، اندکی بعد نوجوانی به مسجد آمد و در جانب راست آن جوان ایستاد و با فاصله کمی، زنی آمد و در پشت سر آن دو ایستاد. آن جوان خم شد و رکوع کرد، نوجوان و

ص: 6

1-8. السيرة النبوية، ج 1، ص 246-247

2-9. الكامل في التاريخ، ج 2، ص 873

زن هم رکوع کردند . آن جوان سر برداشت و به سجده رفت و آن دو نیز سر برداشته سجده کردند . من گفتم : عباس! امري بزرگ است . عباس گفت : آري امري بزرگ است ! آیا مي داني اين جوان کیست ؟ گفتم : نه ! گفت : او محمد بن عبدالله برادرزاده من است . آیا مي داني اين نوجوان کیست ؟ او علي برادرزاده من است . آیا مي داني اين زن کیست ؟ او خديجه بنت خويلد، زوجه آن جوان است . برادرزاده ام به ما خبر داده است که پروردگار او - خدای آسمانها و زمین - به اين دين که وي بدان عمل مي کند، امر کرده است . به خدا سوگند در تمام روي زمین ، جز اين سه تن هيچ کس بر اين دين نيست . (1) با بررسي اين روايتها در کتب سيره و تاريخ، پيشگامي حضرت علي عليه السلام در ايمان به رسول خدا به عنوان اولين مرد مسلمان محرز است و جاي هيچ شک و ترديدي نمي گذارد .

ص: 7

1-10. البته راوي، دوران قبل از اسلام آوردن خود را مي گوید .

فضایل علی علیه السلام از دوران بعثت تا هجرت رسول صلی الله علیه و آله

1- حدیث یوم الدار ابن هشام این روایت مشهور را از سیره ابن اسحاق حذف کرده و در کتاب خود نیاورده است. (1) خلاصه روایت که در متون دیگر از جمله طبری و ابن اثیر، از ابن اسحاق نقل شده، چنین است: بعد از نزول آیه مبارکه «و انذر عشیرتک الاقربین»، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را که در آن زمان 15 سال بیشتر نداشت، خواست و به او گفت که طعامی آماده سازد و عموم خویشاوندان را

ص: 8

1-11. ابن هشام تنها به ذکر آیه انذار بسنده کرده است (ج 1، ص 262)

که شامل همه فرزندان عبدالمطلب، یعنی عموها و عموزاده‌ها و عمه زاده‌های پیامبر بودند، دعوت کند. تعداد آنان از چهل نفر تجاوز نمی‌کرد چون برای بار سوم آنها را جمع کرد و غذا صرف شد، پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع آنها سخن گفت و فرمود: هیچ کس از برای کسان خود، چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خدایم به من فرمان داده که شما را به سویی او بخوانم. کدام یک از شما یاور و پشتیبان من خواهد بود تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد. سکوت بر مجلس حاکم شد و هیچ کس جواب مثبت نداد. تنها علی علیه السلام که از همه کوچکتر بود، از جای برخاست و پشتیبانی خود را اعلام کرد؛ و چون پیامبر سه بار این سخن را فرمود و هر سه بار علی علیه السلام برخاست، دست بر گردن او گذاشت و فرمود: این برادر من، وصی من و خلیفه من در میان شماست؛ سخن او را بشنوید و فرمان او را بپذیرید. (1)

ذکر این حدیث، بیانگر فضیلتی دیگر برای علی علیه السلام است که از همان ابتدای بعثت، آمادگی خود را برای هرگونه فداکاری در راه حمایت از رسول خدا اعلام می‌کند.

2- ماجرای لیلۃ المبیت ابن هشام در ابتدای خبر هجرت، به این مطلب اشاره دارد که همه اصحاب، هجرت کردند و هرکس ماند، گرفتار حبس یا فتنه شد؛ مگر علی

ص: 9

بن ابی طالب و ابوبکر . (1) سپس ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام را در رختخواب رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب هجرت ایشان به مدینه و پوشیدن جامه سبز خضری - که به دستور پیامبر برای محفوظ ماندن علی علیه السلام از آسیب دشمنان بود - را آورده است . سپس، از هجوم کفار قریش در صبحگاه به بستر پیامبر صلی الله علیه و آله و دیدن علی به جای ایشان، سخن گفته است . (2)

طبری در کتابش، ماجرای خوابیدن علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله را بطور مشروح ذکر کرده است . (3) ابن اثیر نیز، ضمن ذکر ماجرای لیلۃ المبیت، در خاتمه افزوده که کفار قریش، هنگامی که علی را به جای پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر یافتند، او را زدند و به سوی مسجد الحرام بردند و ساعتی او را نگه داشتند، سپس رهایش کردند . (4)

هرچند هر سه مورخ مسلمان از تحلیل این واقعه و بیان فداکاری حضرت علی علیه السلام در آن شب سرباز زده اند، اما ذکر کامل این روایت در سه منبع مورد استناد تحقیق، اهمیت اقدام علی علیه السلام در شب هجرت را به عنوان یکی از فضایل خاص برای آن حضرت تصریح می کند . در امالی مفید از امام چهارم علیه السلام روایت شده که آیه : «و من الناس من یشري نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤف بالعباد» ، (5) در شان علی علیه

ص: 10

1- 13. السيرة النبوية، ج 2، ص 480

2- 14. همان منبع، ص 481-482

3- 15. تاریخ طبری، ج 3، ص 911-913

4- 16. الکامل، ج 2 ص 928

5- 17. بقره، 207

السلام در ماجرای لیلۃ المبیت نازل شده است . (1)

3- انجام وظیفه حضرت علی علیه السلام در مکه قبل از هجرت از

ص: 11

1-18. تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج 2، ص 135

دیگر فضایل حضرت علی علیه السلام پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، ادای امانتها به صاحبانشان در مکه بود که رسول خدا این وظیفه خطیر را به آن حضرت واگذار کرد. (1) ابن هشام پس از ذکر این مساله چنین آورده است که علی بن ابی طالب سه شبانه روز در مکه ماند و پس از ادای امانتها به رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق و همراه او بر کلتوم بن هدم وارد شد. (2) وی بیش از این مطلبی نیاورده و به همسفران علی علیه السلام در این سفر اشاره ای نکرده است.

طبری و ابن اثیر نیز دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را برای بازگرداندن امانتهای مردم آورده اند (3); اما مانند ابن هشام از سایر افرادی که همسفر علی علیه السلام در هجرت به مدینه بودند، نام نبرده اند؛ در حالی که روایت شده، یکی از دلایل توقف پیامبر صلی الله علیه و آله در محله قبا، ورود علی علیه السلام و آوردن فرزند رسول خدا همراه خود بوده است. آن حضرت، زمانی که مشغول بازگرداندن امانتهای مردم از سوی رسول صلی الله علیه و آله خدا بود، نامه ای از ایشان دریافت کرد که به همراه فواطم (فاطمه علیها السلام، فاطمه بنت اسد - مادر آن حضرت - و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب)، ام ایمن و فرزندش ایمن و جمعی از ضعفاي مکه به مدینه

ص: 12

1-19. بنگرید به: السیرة النبویة، ج 2، ص 485

2-20. همان منبع، ج 2، ص 493

3-21. تاریخ طبری، ج 3، ص 916 و 919؛ الکامل، ج 2، ص 928 و 932

هجرت کند . (1) سپردن اهل بیت به علي عليه السلام، نشان دهنده اعتماد و اطمینان کامل پیامبر صلي الله عليه و آله به حضرت

ص: 13

1-22. بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، ج 19، ص 65

و آگاهی از انجام مأموریت توسط ایشان است که متأسفانه ابن هشام، طبري و ابن اثیر از ثبت آن دریغ ورزیده اند؛ اما ابن اثیر در ادامه ماجرای هجرت علي عليه السلام به مدینه آورده است: علي بن ابي طالب چون به مدینه رسید، هر دو پای وي شکافته شده بود. پیامبر صلي الله عليه و آله علي را خواست و چون به او گفتند نمی تواند راه برود، به نزد وي آمد، او را در آغوش فشرد و از روی مهربانی بر وي گریست و چون پاهای متورمش را دید، از آب دهان خود بر پاهای علي عليه السلام گذارد و پس از آن، حضرت تا روز کشته شدن از درد پا گله نکرد. (1) این روایت، گوشه ای دیگر از محبت پیامبر صلي الله عليه و آله را به علي عليه السلام آشکار می سازد؛ این محبت تنها جنبه شخصی و خانوادگی نداشت، بلکه از این رو بود که او فردی نمونه و با فضیلت بود و خدا او را دوست داشت.

فضایل علي عليه السلام از دوران هجرت تا رحلت پیامبر صلي الله عليه و آله

1- پیمان برادری میان پیامبر صلي الله عليه و آله و علي عليه السلام یکی از افتخارات ویژه حضرت علي عليه السلام، انتخاب وي از سوی پیامبر صلي الله عليه و آله، علي به عنوان برادر خویش در جریان مؤاخات (پیمان برادری) پس از هجرت به مدینه است. ابن هشام ضمن ذکر رخداد مؤاخات میان مهاجر و انصار، از قول ابن

ص: 14

اسحاق، خبر عقد برادري میان پیامبر و علي عليه السلام را آورده است . (1) در مورد این شان علي عليه السلام، در تاريخ طبري و به تبع آن ابن اثير، روايتي ذکر نشده و آنها این امر مهم را مسکوت گذاشته اند .

2- علي عليه السلام در مقام دامادي پیامبر صلي الله عليه و آله در تاريخ يعقوبي آمده است : وقتي علي بن ابي طالب، فاطمه عليها السلام دختر رسول خدا صلي الله عليه و آله را به سوي مدینه آورد، هنوز با او ازدواج نکرده بود و دو ماه پس از هجرت، رسول خدا فاطمه عليها السلام را به او تزويج کرد . (2)

مسلم است که حضرت فاطمه عليها السلام خواستگاران بسياري داشت ابوبکر و عمر نیز چون خواست خود را با پیامبر صلي الله عليه و آله در میان نهادند، رسول خدا گفت که منتظر قضاء الهي است . (3) هنگامی که حضرت علي عليه السلام فاطمه را از پیامبر صلي الله عليه و آله خواستگاري کرد، رسول خدا پذيرفت و چون عده اي لب به اعتراض گشودند، فرمود : «ما انا زوجته و لكن الله زوجة » ، من فاطمه را به علي تزويج نکردم، بلکه خدا او را تزويج کرد . (4)

مساله ازدواج فاطمه عليها السلام با علي عليه السلام امري مهم است؛ به طوري که وقت عاص بن وائل سهمي، به طعنه، پیامبر صلي الله عليه و آله را ابتر و منقطع از نسل خواند، خداوند سوره کوثر را در شان و مرتبت فاطمه زهرا عليها السلام نازل کرد؛ ابن اسحاق این مطلب را بدون ذکر نام فاطمه

ص: 15

1-24. السيرة النبوية، ج 2، ص 505 . . . (ثم اخذ بيد علي بن ابي طالب . فقال : هذا اخي . فكان رسول الله (ص)، سيد المرسلين و امام المتقين و رسول رب العالمين الذي ليس له خضير و لا نظير من العباد و علي بن ابي طالب رضي الله عنه، اخوين .)

2-25. تاريخ يعقوبي ، ابن واضح، ج 2، ص 41

3-26. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، ج 8، ص 11

4-27. تاريخ يعقوبي، ج 2، ص 41

عليها السلام آورده است (1); بنابراین جای تعجب است که چرا مورخانی چون ابن هشام، طبري و ابن اثیر - که به بسیاری از جزئیات زندگانی پیامبر صلي الله عليه و آله پرداخته اند این مطلب را مسکوت گذاشته اند؟!

3- حضور علي عليه السلام در جنگهاي عصر رسول صلي الله عليه و آله براساس شواهد و مدارک تاريخي، حضرت علي عليه السلام در غزوات و سريره هاي صدر اسلام، نقش مؤثر و سرنوشت سازي داشته است. با بررسی اجمالي جنگها در عصر رسول اکرم صلي الله عليه و آله، 26 غزوه رخ داد و 35 تا 48 سريره و ماموریت جنگي و شناسايي انجام گرفت (2). به نقل اکثر مورخان اعم از شيعه و سني، علي عليه السلام در همه غزوات جز «تبوک» شرکت داشت (3)، و به عنوان دومین شخصیت نظامي پس از رسول صلي الله عليه و آله ایفای نقش کرده است.

در این قسمت، به بررسی نقش تاریخ حضرت علي عليه السلام در جنگهاي صدر اسلام، از دیدگاه ابن هشام، طبري و ابن اثیر می پردازیم .

1-3- جنگ بدر در جنگهاي صدر اسلام، پرچمدار، نقش مهم و خطيري داشت و پرچمدار بودن از فضایل اصحاب به شمار می آمد. در جنگهاي عصر رسول صلي الله عليه و آله، علي عليه السلام به خاطر شجاعت خود، معمولاً پرچمدار سپاه اسلام بود. برخی از راویان سعی کرده اند این فضیلت را نادیده بگیرند. ابن اسحاق درباره پرچم سپاه اسلام در جنگ بدر می نویسد: دو پرچم سپاه در جلوي سپاهیان

ص: 16

1-28. السيرة النبوية، ج 2، ص 393

2-29. صحيح مسلم، ج 4، ص 93-95؛ الكامل، ج 1، ص 652

3-30. انساب الاشراف، احمد بن يحيى بلاذري، ج 2، ص 94-96؛ طبقات الكبرى، ج 3، ص 24؛ الكامل، ج 1، ص 652-653

رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ یکی با نام «عقاب» در دست علی (1) و دیگری در دست یکی از انصار (2). ابن اسحاق همچنین کشته شدن ولید بن عتبه را در جنگ تن به تن با حضرت علی علیه السلام ذکر کرده، (3) سپس فهرست جنگجویان قریش را که در جنگ بدر به دست علی علیه السلام کشته شدند، آورده است. (4) وی این مطلب را نیز آورده که علی علیه السلام با زبیر، سعد وقاص و عده ای دیگر برای گرفتن خبر از حرکت قریشیان به سوی مدینه، سرچاه بدر رفتند و دو نفر را دستگیر کردند. (5) این امر حاکی از آن است که حضرت علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله، مسؤول کسب اطلاعات از مواضع دشمن بوده است.

طبری نیز درباره نقش حضرت علی علیه السلام در جنگ بدر، به همان مواردی که ابن هشام از ابن اسحاق، درباره پرچمداری، کشتن ولید و مساله خبرگیری از حرکت دشمن و رفتن به سرچاه بدر آورده، اشاره کرده است. (6) اما ابن اثیر، در این مورد مطلبی را ذکر نکرده است.

2-3- جنگ احد ابن هشام روایت کاملی را در مورد حضور حضرت علی علیه السلام در جنگ احد ذکر کرده و آورده است: وقتی جنگ در احد شدت گرفت، پیامبر صلی الله علیه و آله زیر پرچم انصار نشست و برای علی بن ابی طالب پیغام فرستاد که پرچم را پیش برد. در این هنگام ابو سعد بن ابی طلحه که پرچمدار مشرکان بود، علی

ص: 17

1-31. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، ج 4، ص 93-95؛ الکامل، ج 1، ص 652

2-32. السیره النبویه، ج 2، ص 613

3-33. همان منبع، ص 625

4-34. همان منبع، ص 708-713

5-35. همان منبع، ص 616

6-36. تاریخ الطبری، ج 3، ص 949، 954 و 956

عليه السلام را به مبارزه طلبید. آن دو به نبرد پرداختند و اندکی بعد، ابي طلحه با ضربه علي مجروح شد. حضرت براي کشتن به او نزدیک نشد؛ وقتي علت را پرسیدند، فرمود:

عورتش را برهنه کرد، لذا از وي گذشتم و دانستم که خدا او را خواهد کشت. (1) همچنین آورده که رسول خدا صلي الله عليه و آله در احد، در حفره اي که دشمن کنده بود، افتاد. علي عليه السلام او را ياري کرد و دستش را گرفت؛ «فاخذ علي بن ابي طالب بيد رسول الله» (2). در پايان جنگ احد نیز پیامبر صلي الله عليه و آله، علي عليه السلام را براي آگاهی از جهت حرکت لشکر قریش و مقاصد آنها فرستاد که علي عليه السلام فرمود: من در پي آنها رفتم و دیدم که قصد مکه را دارند. (3) ابن هشام مي نويسد: برخي از آگاهان به من خبر دادند که ابن ابي نجیح گفت: روز احد منادي ندا مي داد: «لا سيف الا ذوالفقار و لا فتي الا علي» (4)

طبري نیز جريان نبرد تن به تن حضرت علي عليه السلام با پرچمدار مشرکان ابو طلحه - را آورده (5) و از حملات مکرر حضرت علي عليه السلام در صحنه جنگ احد مي نويسد و اینکه جبرئیل گفت: اي پیامبر خدا! از خود گذشتگی اين است و پیامبر گفت: او از من است و من از اويم. جبرئیل گفت: من نیز از شمايم. گوید در اين وقت بانگی برآمد که شمشيري جز ذوالفقار و جوانمردي جز

ص: 18

1-37. السيرة النبوية، ج 2، ص 77 و 78

2-38. همان منبع، ص 85

3-39. السيرة النبوية، ص 100

4-40. همان منبع، ص 106

5-41. تاريخ الطبري، ج 3، ص 1022

علي نیست . (1)

طبري آورده : وقت مصعب بن عمير در جنگ احد كشته شد، پيامبر پرچم را به دست علي عليه السلام داد؛ (2) و در جريان زخمي شدن پيامبر و شايعه كشته شدن ايشان، از جمله همراهان وي كه پيامبر را به سمت دره احد بردند تا از دست دشمنان قریش مصون ماند، علي بن ابي طالب بود . (3) او همچنين فرمان پيامبر صلي الله عليه و آله را، در خبرگيري از حرکت دشمنان، توسط علي عليه السلام روايت کرده است . (4)

ابن اثير در تاريخ كامل، ماجراي چگونگي حضور علي عليه السلام در جنگ احد، دلاوري وي در كشتار مشركان قریش، نداي جبرئيل در تقدير شجاعت علي عليه السلام در حين جنگ، پرچمداري علي عليه السلام پس از مصعب بن عمير در احد، رسيدگي به پيامبر صلي الله عليه و آله در جريان زخمي شدن و وظيفه تعقيب دشمنان و گزارش دادن از حرکت آن لشكر به سمت مكه را بطور كامل و شبیه آنچه كه طبري آورده، روايت کرده است . (5)

3-3- غزوه بني نضير در السيرة النبوية، ابن اسحاق خبر حرکت رسول خدا به سوي بني نضير را آورده و افزوده است كه همراهان ايشان از صحابه، ابوبكر، عمر و علي عليه السلام بودند . (6) او از پرچمداري علي عليه السلام در اين جنگ مطلبي نياورده است؛ اما طبري و ابن اثير روايت کرده اند كه پيامبر وقتي مي خواست براي جنگ به سوي بني نضير برود، عبدالله بن ام مكتوم را به جانشيني خویش در مدينه گذاشت و پرچم را به دست علي بن ابي طالب داد . (7)

4-3- جنگ خندق

ص: 19

1-42. همان منبع، ص 1026

2-43. همان منبع، ص 1028

3-44. همان منبع، ص 1029

4-45. همان منبع، ص 1036

5-46. الكامل، ج 3، ص 986-995

6-47. السيرة النبوية، ج 3، ص 200

7-48. تاريخ الطبري، ج 3، ص 1058؛ الكامل، ج 3، ص 1011

(احزاب) ابن هشام، روایت ابن اسحاق در عبور کردن عمر و بن عبدود از گوشه خندق و مبارزه طلبی او را آورده که در پاسخ به او، حضرت علی علیه السلام اعلام آمادگی کرد و در این نبرد، عبدود - جنگاور مشهور عرب - به دست علی علیه السلام کشته شد. سپس چهار بیت شعر منسوب به علی بن ابی طالب را آورده و افزوده است که بیشتر آشنایان شعر، در نسبت دادن این اشعار به علی علیه السلام تردید کرده اند. (1)

طبری و به تاسی از او، ابن اثیر نیز روایت حضور مؤثر علی در جنگ خندق و ماجرای مبارزه طلبی عبدود و نبرد تن به تن آن دو را بطور کامل آورده اند که سرانجام در این مبارزه، عبدود به دست علی علیه السلام کشته شد. (2)

از آنجا که جنگ خندق (احزاب)، از جمله جنگهای مهم و طراحی شده از سوی جمعی از مشرکان علیه مسلمانان مدینه بود و طولانی و فرسایشی شدن آن برای هر دو گروه - کفار و مسلمانان - ملال آور شده بود؛ حضور علی علیه السلام و رشادتهای وی در کشتن سران جنگجوی مشرکان، بخصوص عبدود، تاثیر بسزایی در تقویت روحیه مسلمانان داشت و سرآغازی برای کشتار سایر مشرکان و در نتیجه شکست و بازگشت آنان به سوی مکه شد. به همین دلیل این ضربه سرنوشت ساز علی علیه السلام در جنگ خندق، برتر از عبادت جن و انس شهرت یافت، که از جمله فضیلتهای منتسب به علی بن ابی طالب است. خداوند در سوره احزاب، به برخی از رویدادهای جنگ و نیز روحيات

ص: 20

1-49. السيرة النبوية، ج 3، ص 235 و 236

2-50. تاريخ الطبري، ج 3، ص 1075؛ الكامل، ج 3، ص 1020

5-3- غزوه بني قريظه در مورد حضور علي عليه السلام در غزوه بني قريظه، يك روايت از ابن اسحاق آورده شده كه گفت : رسول خدا، علي بن ابي طالب را با پرچم خود به سوي بني قريظه فرستاد . علي عليه السلام تا نزديك قلعه دشمن رفت و سخن زشتي از آنان درباره پيامبر صلي الله عليه و آله شنيد؛ بازگشت و وقتي به رسول خدا رسيد گفت : هرگز نبايد از اين خبيثان درگذري! رسول خدا فرمود : چرا، آيا درباره من چيز بدتي از آنها شنيدي؟ گفت : آري! حضرت فرمود : اگر مرا ميديدند، چيزي نميگفتند . (1) در روايت ديگري ابن هشام مي نويسد : برخي از موثقان اهل علم براي من نقل كردند كه علي بين ابي طالب، درحالي كه مسلمانان، قلعه بني قريظه را در حصار داشتند، فرياد مي زد : «يا كتيبة الايمان» ، نگاه خود با زبير قدم پيش نهاد و گفت : به خدا سوگند يا مانند حمزه ربت شهادت مي چشم يا قلعه شان را مي گشاييم . پس بني قريظه گفتند : اي محمد، ما حكمت سعدبن معاذ را مي پذيريم . (2)

6-3- علي عليه السلام كاتب پيامبر صلي الله عليه و آله در جريان صلح حديبيه در السيرة النبوية، ابن اسحاق از زهري، در مساله نوشتن متن صلحنامه حديبيه، از علي عليه السلام نام برده است و به دنبال آن مطلب ديگري درباره او نياورده است . سپس از شاهدان صلحنامه ياد کرده كه علي بن ابي طالب نيز در

ص: 21

1-51. السيرة النبوية، ج 3، ص 245

2-52. همان منبع، ص 251

شمار آنان است؛ با این قید: «و كان هو كاتب الصحيفة» . (1)

طبري نیز مساله کتابت صلحنامه حدیبیه را توسط علي عليه السلام به فرمان پیامبر صلي الله عليه و آله آورده و قید کرده است که وي از شاهدان صلحنامه بود (2)؛ اما ابن اثیر تنها نوشتن متن صلحنامه از سوي علي عليه السلام را روایت کرده و از مورد دوم سخني نیاورده است . (3)

7-3- غزوه خیبر در السيرة النبوية، ابن اسحاق خبر حرکت پیامبر صلي الله عليه و آله را به سوي خیبر آورده، اما چیزی درباره پرچمدار سپاه نوشته است؛ ولي ابن هشام در این باره مي افزاید: «و دفع الراية الي علي بن ابي طالب رضي الله عنه و كانت بيضاء» . (4)

ابن اسحاق خبر فرستادن ابوبکر و عمر را براي فتح قلعه خیبر آورده است که آنان هر یک رفتند و برگشتند اما آنجا را فتح نکردند، تا آنکه پیامبر صلي الله عليه و آله فرمود: «فردا پرچم را به دست مردی مي دهم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش نیز او را دوست دارند و خدا به دست او قلعه ها را فتح مي کند.» سپس خبر فتح خیبر و استفاده از آن را به عنوان سپر، توسط علي عليه السلام آورده است . (5) طبري و ابن اثیر جریان فتح خیبر به دست علي عليه السلام را بطور کامل روایت کرده و نوشته اند که پس از عدم موفقیت ابوبکر و عمر در فتح قلعه یهودیان خیبر، پیامبر فرمود: فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که

ص: 22

1-53. همان منبع، ص 331 و 333

2-54. تاريخ الطبري، ج 3، ص 1123-1124

3-55. الكامل، ج 3، ص 1048

4-56. السيرة النبوية، ابن هشام، ج 3، ص 342

5-57. همان منبع، ص 349-350

خدا و پیامبرش او را دوست دارند و او نیز خدا و پیامبر را دوست دارد. همچنین به چشم درد علی علیه السلام و بهبود آن به دست پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده اند که پس از مبارزه با مرحب یهودی و هلاکت او، قلعه را فتح کرد. (1) ابن اثیر علاوه بر طبری، از ابو رافع نقل کرده که چون خدا قلعه را به دست علی علیه السلام گشود، حضرت در قلعه را فروافکند؛ ما که هشت نفر بودیم کوشیدیم آن را از یک سو به سوی دیگر برگردانیم، اما نتوانستیم. (2)

اخبار این مورخان در خصوص دلآوری و شجاعت علی علیه السلام در عرصه پیکار با یهودیان خیبر، بخصوص نقل جمله معروف پیامبر صلی الله علیه و آله در شان علی علیه السلام در فتح قلعه، بیان فضیلتی دیگر از حضرت علی علیه السلام در تاریخ اسلام است.

8-3- سریه ذات السلاسل ابن هشام در مورد این سریه آورده است: رسول خدا خبر یافت که گروهی از قضاعه، قصد غارت اموال مسلمانان را دارند؛ «عمرو بن عاص» را فراخواند و پرچم سیاهی به وی داد و 300 مرد از بزرگان مهاجر و انصار را با او روانه ساخت؛ او وقتی نزدیک دشمن رسید و از تعداد آنان آگاه شد، از پیامبر صلی الله علیه و آله کمک خواست. رسول خدا، «ابو عبیده جراح» را با 200 مرد فرستاد و برای وی لوایی بست و بزرگان مهاجر و انصار، از جمله ابوبکر و عمر را همراه وی روانه کرد و به او گفت

ص: 23

1-58. تاریخ الطبری، ج 3، ص 1146-1147؛ الکامل، ج 3، ص 1069-1070

2-59. الکامل، ج 3، ص 1070

که به عمر و ملحق شوند و با هم باشند و اختلاف نکنند . سرانجام آنان با جمعی از مشرکان برخورد کرده و آنها را شکست دادند و شخصی را فرستادند تا گزارش آن سریه و بازگشت مسلمانان را به پیامبر صلی الله علیه و آله بدهد . (1) طبري نیز مطلب را مانند ابن هشام نقل کرده است . (2) اما بنا بر بعضی از ماخذ شیعی، کار با اعزام عمرو بن عاص به انجام نرسید و مقصود حاصل نگشت؛ بلکه پس از مامور شدن علي عليه السلام، دشمن از پای درآمد و خاطر رسول خدا و سایر مسلمانان آسوده شد؛ مطلب مهم در خصوص این سریه، نازل شدن سوره «عاديات» در شان علي عليه السلام است . (3)

طبرسي در مجمع البيان آورده : بعضی گفته اند سوره عاديات وقتی نازل شد که رسول خدا، علي عليه السلام را به جنگ ذات السلاسل فرستاد و علي عليه السلام لشکر دشمن را شکست داد و این بعد از چند نوبت اعزام افراد با لشکر به سوی دشمن بود که نتوانستند کاری صورت دهند و به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتند. در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام وایت شده است که از این جهت جنگ مزبور ذات السلاسل خوانده شد که علي عليه السلام مشرکان را شکست فاحشی داد، عده ای را کشت و اسیران را در طناب به هم بست که گویی در غل و زنجیرند . وقتی این سوره نازل شد، رسول خدا از خانه به میان مردم آمد، نماز صبح را خواند و همین سوره را در نماز تلاوت

ص: 24

1-60. السيرة النبوية، ج 4، ص 272-273

2-61. تاريخ الطبري، ج 3، ص 1143

3-62. الارشاد، محمدبن نعمان مفید، ترجمه سيد هاشم رسولي محلاتي، ص 51

کرد. بعد از آن که نمازش تمام شد، اصحاب گفتند: ما این سوره را نشنیده بودیم؛ رسول صلی الله علیه و آله فرمود: بله! علی بر دشمنانش ظفر یافت، خدای تعالی این سوره را فرستاد و جبرئیل امشب با آمدن آن، فتح علی علیه السلام را به من مژده داد؛ چند روز بعد، علی علیه السلام با غنایم و اسیران رسید. (1)

9-3- نقش علی علیه السلام در فتح مکه در جریان فتح مکه، علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله ماموریت یافت که جاسوس قریش - زنی به نام ساره - را که قصد خبررسانی از حرکت سپاهیان اسلام را داشت، دستگیر کند. ابن اسحاق این مطلب را به نقل از سایر راویان آورده است؛ همچنین درباره ورود مسلمانان به مکه در زمان فتح آن و شعار سعد بن عباده یاد کرده که می گفت: «اليوم يوم الملحمة». شخصی از این سخن آشفته شد و از تمایل انصار به ایجاد درگیری با مکیان، به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد؛ در نتیجه پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: به نزد سعد برو، پرچم را از او بگیر و وارد مکه شو. (2)

طبری و ابن اثیر، خبر مربوط به دستگیری جاسوس قریش را توسط علی علیه السلام، ذکر کرده و نیز از فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله در واگذاری پرچم سپاه را از دست سعد به علی علیه السلام آورده اند. (3)

براساس این روایات، نقش مؤثر حضرت علی علیه

ص: 25

1-63. تفسیر المیزان، ج 20، ص 800-801

2-64. السیرة النبویة، ج 4، ص 40-41 و 49

3-65. بنگرید به: تاریخ الطبری، ج 3، ص 1177، 1178 و 1186؛ الکامل، ج 3، ص 1096 و 1101

السلام، در دستگیری جاسوس کفار و نیز پرچمداری و دعوت مردم به الفت و رحمت، در لیبیک به پیام رسول خدا در فتح بدون خونریزی مکه، تصریح شده است .

10-3- بت شکنی علی علیه السلام در نبرد با قبیله طی از جمله اقدامهای پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه، پاکسازی خانه کعبه و سایر مراکز از وجود مظاهر شرک و بتها بود . حضرت علی علیه السلام نیز در این اقدام انقلابی شرکت داشت و از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای انهدام بعضی بتها ماموریت یافت . ابن هشام در این مورد آورده است : بعضی از اهل علم روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب را برای انهدام بت فلس فرستاد که دو شمشیر به نامهای مخذم و رسوب بر آن بسته شده بود؛ علی علیه السلام آنها را برداشته به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد . (1)

ابن اثیر در روایت کاملی آورده است : در ماه ربیع الاول از سال نهم هجری، پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب را برای نبرد، به سوی قبیله طی روانه کرد و به وی فرمان داد که «فلس» را درهم شکنند . او به سوی طی رفت، به آنها حمله کرد، غنیمت و اسیرانی گرفت و بت را منهدم ساخت و دو شمشیر مخذم و رسوب را که حارث بن ابی شمر به آن بت پیشکش کرده و بر آن آویزان کرده بود، گرفت و به نزد پیامبر صلی الله

ص: 26

علیه و آله آورد؛ دختر حاتم را نیز به اسیری گرفت و به مدینه آورد که پیامبر او را آزاد کرد. (1)

11-3- نبرد حنین پس از فتح مکه، هنوز قبایلی چون هوازن و ثقیف بودند که در مقابل دعوت اسلام مقاومت کرده و جنگ حنین را به راه انداختند. مسلمانان که در این زمان تعدادشان افزایش یافته بود، مغرور شده در همان آغاز جنگ از مشرکان شکست خوردند و متواری شدند؛ اما برخی از صحابه ایستادگی کرده سبب بازگشت مسلمانان و تقویت روحیه آنان شدند و سرانجام پیروزی را نصیب لشکریان اسلام کردند؛ از جمله این افراد حضرت علی علیه السلام بود.

طبق گفته ابن اسحاق، از جمله کسانی که در حنین ایستادگی کردند و فرار ننمودند، از مهاجران، ابوبکر و عمر، و از اهل بیت، پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و عباس بودند. (2) همچنین آورده است: در حنین، پرچمدار مشرکان بر شتر خود کر و فری داشت، ناگاه علی بن ابی طالب به سوی او رفت. مردی از انصار هم قصد وی کرد. علی شتر را از پشت سر زد و انصاری به آن مرد حمله ور شد و پایش را قطع کرد و او از روی شتر افتاد. (3)

4- حدیث منزلت در مورد عدم حضور علی علیه السلام در غزوه تبوک و ماجرای آن، ابن اسحاق آورده است: رسول خدا در سفر تبوک، علی بن ابی طالب را میان اهل خویش گذاشت؛ منافقان گفتند: برای خلاص از دست او، وی را همراه نبوده است!

ص: 27

1-67. الکامل، ج 3، ص 1150-1151

2-68. السیرة النبویة، ج 4، ص 85

3-69. همان منبع، ص 88

در این وقت علي عليه السلام سلاح بر گرفته در جرف به رسول خدا رسيد و آنچه را که منافقان گفته بودند، به عرض آن حضرت رسانيد . پیامبر صلي الله عليه و آله فرمود : دروغ مي گویند، من بخاطر آنچه در پشت گذاشته ام تو را در اینجا نگه داشتم؛ برگرد و به جاي من میان اهل من و خودت بمان . آیا راضي نستي که نسبت به من مانند هارون به موسي باشي، جز آن که پیامبري بعد از من نمي آید . (1) در این وقت علي عليه السلام به مدینه بازگشت و رسول خدا به سفر ادامه داد . این خبر را طبري و ابن اثیر بطور کامل آورده اند و به حدیث معروف رسول صلي الله عليه و آله در مورد علي عليه السلام اشاره کرده اند . (2) این حدیث، پس از حدیث یوم الدار، از مهمترین احادیث در بیان شان علي عليه السلام است که به حدیث منزلت شهرت یافته و راویان زیادی آن را در کتب خویش ذکر نموده اند . (3) باید به این نکته توجه داشت که آنچه در کتب مزبور بدان اشاره نشده، آن است که خروج علي عليه السلام از مدینه در پی گفتار منافقان، به خاطر باور این شایعات نبود؛ چرا که وي بیشترین و عمیقترین شناخت را از پیامبر داشت و صدور چنین سخني را از سوي رسول خدا محال مي دانست؛ بلکه خروج او از مدینه، بهانه و فرصتي براي اتمام حجت با مسلمانان بود؛ حقانیت مقام وي نیز، در حدیث پیامبر صلي الله عليه و آله آشکار است.

5- حضور علي عليه السلام در روز مباحله از وقایع مهم تاریخ اسلام در سال دهم هجري ، ماجرای مباحله پیامبر صلي الله عليه و آله با مسیحیان نجران است . رؤساي قوم ترسا که در پذیرش آیین جدید مقاومت کرده حقانیت آن را زیر سؤال مي بردند، به دستور خداوند (4) و از سوي رسول خدا دعوت به ملاعنه یا نفرین کردن بریکدیگر شدند . در این مراسم،

ص: 28

1-70. همان منبع، ص 163 (افلا ترضي يا علي ان تكون مني بمنزلة هارون من موسي ، الا انه لا نبي بعدي)

2-71. تاريخ الطبري، ج 4 ، ص 1234؛ الكامل ، ج 3، ص 1140

3-72. الغدير، عبدالحسين اميني، ترجمه اكبر ثبوت و محمد شريف رازي، ج 5، ص 334 و ج 14، ص 14 صحيح مسلم ، ج 5، ص

22، حدیث 2404

4-73. آل عمران ، 61

پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه علی، فاطمه، حسن و حسین بیرون آمد. وقتی مسیحیان آنها را دیدند گفتند: اینها همان چهره هایی هستند که اگر خدا را سوگند دهند که همه کوههای جهان را از جای برکنند، خدا چنان کند. بنابراین دست از مباحله برداشتند و به شرط پرداخت جزیه، با مسلمانان از در صلح و دوستی درآمدند. (1) از این واقعه مهم که حضرت علی علیه السلام نیز به عنوان اهل بیت پیامبر در آن شرکت داشت، در سیره ابن هشام مطلبی ذکر نشده است، اما ابن اثیر خبر را بطور کامل آورده است. (2)

6- شان نزول آیاتی درباره علی علیه السلام در مورد منزلت حضرت علی علیه السلام، همین بس که آیات متعددی از قرآن کریم در شان آن حضرت نازل شده است که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم.

یکی از آیات مهم در مقام علی علیه السلام، مربوط به ماجرای لیلۃ المبیت است. فداکاری علی علیه السلام در شب هجرت رسول صلی الله علیه و آله، آن قدر خالصانه و پر اهمیت بود که مورد ستایش حق

ص: 29

1-74. طبقات الکبری، ج 1، ص 357-358؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 82-83

2-75. الکامل، ج 3، ص 1163

تعالی نیز واقع شد و این آیه نازل گشت: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد». (1)

همچنین آیه: «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیة فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.» (2) در مجمع البیان، ذیل آیه مذکور آمده است: از ابن عباس در سبب نزول این آیه روایت شده، علی بن ابی طالب علیه السلام چهار درهم داشت؛ یکی را در شب، دیگری را در روز، سومی را مخفیانه و چهارمی را آشکارا صدقه داد و این آیه در شان آن حضرت نازل شد. طبرسی گوید: این معنی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است. (3)

در تفسیر المیزان آمده، افراد مختلفی در تفسیر آیه: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیموا اسیرا»، (4) از ابن عباس روایت کرده اند: این آیه در شان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شده است و در روایتی از ابن عباس آمده: حسنین علیهما السلام بیمار شدند و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای بهبودی آنها سه روز، روزه نذر کردند. وقتی حال کودکان بهبود یافت، آنها به ادای نذر پرداختند. اما هر شب سائلی به در خانه آنها آمد و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله افطار خود را به او دادند. این ماجرا در سه شب متوالی تکرار شد تا اینکه علی علیه السلام در صبح روز چهارم، به نزد پیامبر رفت و رسول خدا با دیدن

ص: 30

1-76. بقره 207

2-77. بقره، 274

3-78. تفسیر المیزان، ج 2، ص 135

4-79. دهر، 8

حالت ضعف در کودکان و گودی چشم فاطمه علیها السلام ناراحت شد؛ در همین حال جبرئیل نازل گشت و گفت: این سوره را بگیر، خدا تو را به داشتن چنین اهل بیتی تهنیت می گوید. آنگاه آیات را قرائت کرد. (1)

از دیگر آیات مهم در منزلت علی علیه السلام، آیه «انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا لذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکوة و هم راکعون» (2) است. امامیه معتقدند این آیه در تنصیص ولایت و خلافت آن حضرت است؛ زیرا تنها او انگشتر خود را در حال رکوع به سائل داد. (3)

علاوه بر شان نزول آیات فوق که به عنوان نمونه ذکر شد، سوره «عادیات» نیز در منزلت علی علیه السلام نازل شده که بشارت پیروزی حضرت در نبرد ذات السلاسل بود و در قسمت جنگهای صدر اسلام به آن اشاره شد. در این موارد، مطلبی در سیره ابن هشام، تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر نیامده است.

7- حجة الوداع و حدیث غدیر خم ابن هشام که اخبار حجة الوداع را از شروع سفر تا پایان مناسک در دوازده روایت دنبال کرده است (4)، در روایت سیزدهم بدون پرداختن به کیفیت مراجعت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، فقط با عبارت «ثم قفل رسول الله»، به برگشت اشاره ای کرده و آنگاه از اقامت آن حضرت در بقیه ذی الحجة و صفر در مدینه و اعزام اسامة بن زید برای جنگ با رومیان سخن به میان آورده است؛ (5) و هیچ اشاره ای به حدیث غدیر و مساله امامت و

ص: 31

1-80. تفسیر المیزان، ج 20، ص 364-365

2-81. مائده، 55

3-82. تفسیر المیزان، ج 6، ص 6

4-83. السیرة النبویة، ج 4، ص 248-253

5-84. همان منبع، ص 252

طبری و ابن اثیر هم اخبار حجة الوداع را مختصر نوشته اند و از مساله جانشینی و وصایت پیامبر در مورد علی علیه السلام و حدیث معروف غدیر خم هیچ سخنی نگفته اند . (1) به این ترتیب این سؤال به ذهن متبادر می شود که این منابع، به رغم پرداختن به سیره و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله - که در بعضی موارد حتی کوچکترین جزئیات زندگی آن حضرت را به تفصیل ذکر کرده اند - چگونه روزهای زیادی از عمر پیغمبر را - که هر دقیقه و ثانیه آن، با قول، فعل و یا تقریر آن حضرت می توانست مبین حکم جدید و دستور العمل تازه ای باشد - نادیده انگاشته اند و بدون اشاره به حادثه مهمی چون غدیر خم و مساله جانشینی پس از رسول خدا، به قسمت دیگر پرداخته اند؟!

ما مسلمانان معتقدیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هیچ شرایطی، جامعه و مردم را از داشتن امام بی نیاز نمی دید، حتی اگر تعداد آنها اندک و احتمال بروز شکاف و اختلاف، ضعیف بود . رسولی که از بیم اختلاف سه نفر در سفر ماموریت ، به آنها دستور می دهد تا یک نفر را به عنوان امیر و رئیس خود انتخاب کنند، چگونه ممکن است امت بزرگ اسلام را پس از خود، بدون تعیین سرپرست و زمامدار که در حل و فصل مشکلات مرجع باشد، رها کند و در سلکی منظم در نیورد؟! در حالی که نص صریح ایشان در واگذاری وصایت و

ص: 32

خلافت مسلمانان به علي عليه السلام در حدیث غدیر، نشان از اهمیت مساله رهبري و پیشوایی مردم دارد. (1) رهبري امت پس از پیامبر صلي الله عليه و آله آنقدر مهم بود که خداوند جبرئیل را نزد محمد صلي الله عليه و آله فرستاد، آن حضرت در زمان حیات خویش برای ولایت علي عليه السلام از مردم، شاهد و گواه بگیرد و پیش از وفات خود، وي را امیرالمؤمنین بنامد و نه نفر از اصحاب مشهور و یاران خود را به عنوان شاهد فرا خواند. (2) همچنین در بازگشت از حج، در غدیر خم به پیامبرش فرمود: «یا ایها الرسول، بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته . . .» (3) پس از ابلاغ خلافت و امامت علي عليه السلام توسط رسول خدا، آیه «الیوم اکملت لکم دینکم . . .» (4) نیز بر پیامبر نازل شد که نزول این آیه، به منزله تبریک و شادباش بود و اینکه حضرت با اعلام ولایت، کمال دین را اعلام کرد، همچنین تاکید بر این نکته بود که اگر رسول صلي الله عليه و آله نص ولایت را بر مردم ابلاغ نمی کرد، دین اسلام به کمال نمی رسید.

نتیجه

حاصل بررسی دقیق و مستند روایتهای نقل شده در سه متن معتبر تاریخی - سیره ابن هشام، تاریخ طبري و تاریخ ابن اثیر در مورد فضایل مربوط به حضرت علي عليه السلام و مساله امامت (حدیث غدیر) و پاسخ به سؤلهای اصلي تحقیق این است: در مرحله تولد علي عليه السلام تا بعثت پیامبر صلي الله عليه و آله

ص: 33

-
- 1-86. من كنت مولاہ فهذا علي مولاہ . . .» بنگرید به: المسند حنبل، ج 2، ص 57، احادیث 641، 95، 961، 964 و 1310؛ الاحتجاج، طبرسي، ج 1، ص 60؛ اصول کافی، کلینی، ج 3، ص 43؛ یعقوبی، ج 2، ص 112
 - 2-87. امالي، محمد بن نعمان مفید، ص 29
 - 3-88. مائده، 67
 - 4-89. مائده، 3

، مهمترین روایت در منزلت علی علیه السلام، اسلام آوردن وی به عنوان اولین مرد مسلمان بود که هر سه مورخ به آن اشاره کرده و روایتهای مختلفی پیرامون آن آورده اند. ابن اثیر علاوه بر دیگران، به سخنی از خود علی علیه السلام در مسلمان شدن و سبقت وی در ایمان آوردن، استناد جسته است. در مورد نماز گزاردن علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در دره های مکه در دوران بعثت، طبری مطلبی نیاورده، ولی ابن هشام و ابن اثیر مختصری ذکر کرده اند.

در مرحله پس از بعثت تا هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از مهمترین روایتهای در مقام علی علیه السلام، حدیث یوم الدار در جریان انذار خویشاوندان از سوی رسول صلی الله علیه و آله است که ابن هشام آن را از سیره ابن اسحاق حذف کرده و در کتاب خود نیاورده است، لیکن طبری و ابن اثیر آن را به نقل از ابن اسحاق آورده اند. بسیاری از مورخان و محدثان و عالمان بزرگ اسلامی بر صحت حدیث یوم الدار اتفاق نظر داشته آن را نخستین نص پیامبر صلی الله علیه و آله بر جانشینی علی علیه السلام ذکر کرده اند. (1) از دیگر روایات در مقام علی علیه السلام، ماجرای لیلۃ المبیت است که هر سه مورخ آن را بطور کامل ذکر کرده اند، اما اشاره ای به شان نزول آیه ای در اهمیت این اقدام علی علیه السلام نکرده اند. مطلب مهم در مقطع زمانی پس از هجرت رسول

ص: 34

1-90. بنگرید به: تاریخ الطبری، ج 1، ص 478؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 3، ص 263؛ الاحتجاج، ج 1، ص 59

از مکه به مدینه سفارش و دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام، در بازگرداندن امانتهای مسلمانان و آوردن «فواطم» به مدینه است. ابن هشام، طبری و ابن اثیر به قسم اول آن اشاره کرده اند، لیکن از همسفران علی علیه السلام ذکری به میان نیاورده اند.

در مرحله پس از هجرت تا رحلت رسول صلی الله علیه و آله؛ ماجرای مؤاخات یا پیمان برادری میان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام حائز اهمیت است که ابن هشام ضمن ذکر مؤاخات میان مهاجران و انصار، از قول ابن اسحاق این خبر را آورده، لیکن طبری و ابن اثیر آن را ذکر نکرده اند.

بنا بر اسناد معتبر تاریخی، دو ماه پس از ورود علی علیه السلام به مدینه، وی با فاطمه علیها السلام تنها فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج می کند که ابن هشام، طبری و ابن اثیر در این مورد، مطلبی را نیاورده اند؛ در حالی که مقام دامادی رسول خدا، مقام و فضیلتی درخور توجه بوده است. درباره حضور سرنوشت ساز علی علیه السلام در اکثر جنگهای صدر اسلام، مورخان مورد نظر، روایتهای متعددی آورده اند که در برخی متون، مختصر و در برخی دیگر کاملتر است. هر سه مورخ در غزوه تبوک، به حدیث منزلت اشاره کرده اند؛ و خبر جریان مباحله را تنها ابن اثیر آورده است.

آنچه درباره نبرد ذات السلاسل آورده اند و به نقش علی علیه السلام در آن سریه اشاره ای نکرده اند، مورد

قبول علمای امامیه نیست. براساس متون معتبر تاریخی شیعه، حضرت علی علیه السلام تنها کسی است که موفق به شکست دشمنان در آن نبرد شد و اهمیت اقدام وی، بقدری است که جبرئیل از سوی خداوند، سوره «عادیات» را در شان علی علیه السلام نازل کرد.

مورخان مورد نظر، درباره آیات متعددی که در مقاطع مختلف دوران رسالت در مورد علی علیه السلام نازل شده، اشاره ای نکرده اند. مهمترین روایتی که هر سه مورخ درباره آن سکوت کرده و هیچ اشاره ای بدان نکرده اند، حدیث غدیر و مساله وصایت و جانشینی علی علیه السلام در ماجرای حجة الوداع است.

با توجه به تواتر این حدیث در منابع اهل سنت و شیعه، نمی توان این احتمال را مطرح کرد که وقوع چنین حادثه ای به ثبوت نرسیده است؛ بلکه احتمال قریب به یقین آن است که محدودیتهای سیاسی یا عقیدتی، آنها را از ذکر بعضی از وقایع و حقایق تاریخ اسلام بازداشته است. تمامی این مورخان که در زمان عباسیان می زیستند، بطور طبیعی نمی توانستند و یا مصلحت روزگار ایجاب نمی کرد که اخباری را که پایه حکومت عباسیان را متزلزل می ساخت یا آنها اینطور تصور می کردند و می توانست دستاویزی محکم برای مخالفان باشد، در آثار خود بیاورند. نتیجه ارزیابی این آثار، ما را وادار می کند تا در مقابل این گونه مورخان که برخی بنیانگذار تاریخ نویسی در اسلام هستند، احتیاط علمی خود را از دست ندهیم.

منابع :

- الاحتجاج : ابو منصور احمد بن علي طبرسي، تعليق سيد محمد باقر موسوي خراساني، بيروت، مؤسسة الاعلمي، 1410 هـ .، چاپ سوم

- الارشاد : محمد بن نعمان مفيد، ترجمه سيد هاشم رسولي محلاتي، انتشارات علميه اسلاميه، ج 1 و 2

- اصول كافي : يعقوب بن اسحاق كليني، ترجمه و شرح سيد هاشم رسولي محلاتي، انتشارات چهارده معصوم عليهم السلام

- امالي : محمد بن نعمان مفيد، ترجمه حسين استادولي، مشهد، بنياد پژوهشهاي اسلامي، 1364

- امامت و رهبري : مرتضي مطهري، انتشارات صدرا، 1364، چاپ اول

- انساب الاشراف :

ص: 37

احمدبن يحيى بلاذري ، تحقيق سيد محمد باقر محمودي ، مصر ، دارالمعارف ، 1959 م ، بيروت ، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات ، 1974 ، چاپ اول

- بحار الانوار : محمدباقر مجلسي ، بيروت ، مؤسسة الوفاء ، 1403 هـ ، ج 19

- تاريخ الطبري (الرسل و الملوك) : محمدبن جرير طبري ، بيروت ، مؤسسة عزالدين ، 1407 هـ ، چاپ دوم

- تاريخ طبري : محمدبن جرير طبري ، ترجمه ابوالقاسم پاينده ، تهران ، انتشارات اساطير ، بي تا

- تاريخ كامل بزرگ اسلام و ايران : عزالدين ابن اثير ، ترجمه سيد حسين روحاني ، انتشارات اساطير ، 1370 هـ ، چاپ اول

- تاريخ يعقوبي : ابن واضح يعقوبي ، للطباعة و النشر دار بيروت ، بي تا

- تفسير الميزان : محمد حسين طباطبائي ، بنياد علمي و فرهنگي علامه طباطبائي ، 1370 ، چاپ پنجم

- السيرة النبويه : عبدالملك بن هشام ، بيروت ، دار احياء التراث العربي ، 1413 هـ ، 4 جلدي

- شرح نهج البلاغه : ابن ابي الحديد ، ترجمه و تحقيق محمد مهدي دامغاني ، تهران ، نشر ني ، بي تا

- صحيح مسلم : ابوالحسن مسلم بن حجاج قشيري نيشابوري ، تحقيق موسي شاهين لاشين و احمد عمر هاشم ، بيروت ، مؤسسة عزالدين ، 1407 هـ

- الطبقات الكبرى : محمدبن سعد ، لبنان ، دار بيروت ، 1405 هـ . ق

- الغدير : عبدالحسين اميني ، ترجمه اكبر ثبوت و محمد شريف رازي ، تهران ، نشر كتابخانه بزرگ اسلامي ، 1363

- الكامل في التاريخ : عزالدين ابن اثير ، بيروت ، مؤسسة التاريخ العربي ، 1414 هـ . ق ، چاپ چهارم

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

